

ایلام (تمدن)

نه بر سامی بودن ایلامیان. براساس نوشتار (سفر پیدایش ۱:۱۴) یکی از شاهان شرق که در روزگار ابراهیم به فلسطین حمله کرده بود، کدر لاعمَر نام داشته است که نامی ایلامی بوده است.^[9]

ایلامیان را قومی دانسته‌اند که یهوه آنان را برای گوشمالی بابل (اشعیا ۲:۲۱) و اورشلیم (اشعیا ۶:۲۲) به کار گرفت، (ارمیا ۲۵:۲۵؛ ۳۴:۴۹؛ حزقیال ۲۴:۳۲) دانیال (دانیال ۲:۸) خویشتن را در رؤیایی در دارالسلطنه شوش نزد نهر اولای دید؛ او صدای مردی را نیز از درون نهر اولای شنید (دانیال ۸:۱۶). شوش محل رخ دادن داستان استر در دوران خشایارشا یا اخشورُش بود. در کتاب استر بارها به بیره (دارالسلطنه) شوش اشاره شده است. (۲:۱؛ ۳:۲؛ ۳:۳؛ ۱۵:۸؛ ۱۴:۸؛ ۹:۹؛ ۱۱:۹)

در (عزرا ۴:۹) به مردانی از شوش اشاره شده است که آشوربانیپال آنان را به سامره تبعید کرده بود. نحمیا هنگامی که در شوش بود (نحمیا ۱:۱) از وضعیت ویرانی حصارهای اورشلیم باخبر شد. هر چند که در کتاب عهد جدید سخنی از شوش در میان نیست؛ زائرانی در روز پنطیکاست-عید پنجاهه که امروزه هم یهودیان پس از عید فصح و هم مسیحیان به مناسبت حلول روح القدس بر حواریون آن را جشن می‌گیرند- از ایلام به اورشلیم رفته بودند. (اعمال رسولان 9:2)^[10]

۳ تاریخ سیاسی ایلام

نوشتار اصلی: تاریخ ایلام

آگاهی ما از تاریخ ایلام عمدتاً حاصل بازسازی قطعات ناقص از منابع میان‌رودان (سومری، اکدی، آشوری و بابلی) است. تاریخ ایلام معمولاً به سه دوره با گسترهٔ بیش از دو هزار سال تقسیم می‌شود. دورهٔ پیش از نخستین دورهٔ تاریخ ایلام به نیا-ایلامی مشهور است.

- نیا-ایلامی: حدود ۳۲۰۰ پ. م تا ۲۷۰۰ پ. م (خط نیا-ایلامی در شوش)^[11]
- ایلام باستان: حدود ۲۷۰۰ پ. م تا ۱۶۰۰ پ. م (نخستین اسناد تا دودمان اپرتی)^[12]
- ایلامی میانه: حدود ۱۵۰۰ پ. م تا ۱۱۰۰ پ. م (دودمان آنزان تا حملهٔ بابلی‌ها به شوش)^[13]
- ایلام نو: حدود ۱۱۰۰ پ. م تا ۵۳۹ پ. م (۵۳۹ قبل از میلاد آغاز دورهٔ هخامنشی)^[14]

پژوهشگران جدید تا مدت‌ها ایلام را با سوزیانا یکی می‌پنداشتند، که سوزیانا مترادف با دشت و کوهپایه‌های زاگرس سفلی در استان خوزستان امروزی است. همان مرکز باستانی پادشاهی انشان بوده‌است و دوم اثبات گردید که شوش و ایلام دو مفهوم متمایز بوده‌اند؛ به عبارت دیگر، شوش مترادف ایلام نیست. در واقع، در طی تاریخ چندهزار سالهٔ ایلام، مرزهای این سرزمین نه تنها از دورهای به دوره دیگر، بلکه با توجه به دیدگاه کسی که آن را توصیف می‌کرد، متغیر بود. برای مثال، بر اساس منابع میان‌رودان می‌توان نقشه‌ای نسبتاً دقیق از ایلام در اواخر هزارهٔ سوم پیش از میلاد ترسیم کرد؛ ترسیم این نقشه را به‌ویژه مدیون «جغرافیای سارگن اکدی» هستیم، اثری که در دورهٔ آشوری جدید تدوین شد و دامنهٔ فتوحات سارگن بزرگ در حدود ۲۳۰۰

مختصات: ۲۹°۵۴' شمالی ۵۲°۲۴' شرقی / ۲۹.۹۰۰° شمالی ۵۲.۴۰۰° شرقی

عیلام یا به صورت جدیدتر، **ایلام**، نام یک تمدن در منطقه‌ای است که بخش بزرگی در جنوب غربی فلات ایران را در پایان هزارهٔ سوم قبل از میلاد در بر می‌گرفت ولی در دورهٔ هخامنشیان به منطقه جغرافیایی سوزیانا شوش (Susa) تقلیل یافت. عیلامیان کشورشان را «هَلْتَمْتی» (Ha(l) tamti/Hatamti) به معنی «سرزمین خدا» می‌خواندند، اکدیایان بدان «الامتو» (Elamtu) می‌گفتند و سومریان آن را با اندیشه‌نگاشت NIM به معنای «بالا و مرتفع» می‌نوشتند.^[1]

در ۲۷۰۰ پیش از میلاد، نخستین شاهنشاهی عیلامی در شوش (در جنوب غربی ایران) تشکیل شد.^[2]

سفالینه‌های نقاشی شده متعلق به حدود ۳۵۰۰ پیش از میلاد در شوش واقع در عیلام بیانگر دوره‌ای پیشرفته از طرح‌های هندسی، ایجاد سبک خاص از انسان و شکل‌هایی از جانوران در آنها می‌باشد.^[3]

در حدود ۲۷۰۰ پیش از میلاد پادشاهی عیلام به پایتختی شوش تشکیل گردید. همچنین در حدود ۲۰۹۴ تا ۲۰۴۷ پیش از میلاد عیلام توسط شولگی پادشاه دوم سلسله سوم اور تسخیر گردید و بعداً در سال ۲۰۰۴ پیش از میلاد سلسله سوم اور توسط عیلام واژگون می‌شود.^[4]

در سال ۶۳۹ پیش از میلاد آشوربانیپال شاه آشور، عیلام را شکست داد و شوش را غارت کرد. پس از این جنگ، عیلام هرگز به عنوان یک قدرت مستقل ظاهر نگردید.^[5]

عیلامیان از آغاز دوره پیش‌عیلامی تا پایان دوره عیلام نو، حدود ۲۶۶۱ سال در جنوب غربی ایران زندگی و حکومت می‌کردند.^[6]

۱ نام

ایلامیان کشورشان را «هَلْتَمْتی» (Ha(l) tamti/Hatamti) به معنی «سرزمین خدا» می‌خواندند، اکدیایان بدان «الامتو» (Elamtu) می‌گفتند و سومریان آن را با اندیشه‌نگاشت NIM به معنای «بالا و مرتفع» می‌نوشتند.^[7]

نام دو استان در ایران برگرفته از نام باستانی آنان است. علاوه بر استان ایلام، نام خوزستان نیز از واژه *Ūvja* آمده که از روی کتیبه نقش رستم و کتیبه‌های داریوش در تخت جمشید و شوش، به معنای ایلام بوده و بنا به گفتهٔ ایرج افشار در «نگاهی به خوزستان: مجموعه‌ای از اوضاع تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی منطقه» در یونانی *Uxi* تلفظ می‌شده^[8] و اگر گفته ژول آپر را بپذیریم در ایلامی *Xus* یا *Khuz* بوده‌است. سر هنری راولینسون نیز تلفظ پهلوی *Ūvja* را *Hobui* دانسته که ریشه نام اهواز و خوزستان است. این لفظ از حاجوستان و هیوجستان به دست آمده که در مجمل التواریخ و القصص (ابتدای قرن ششم هجری) در اشاره به خوزستان آمده‌است.

۲ ایلام در کتاب مقدس

نام ایلام، نیای ایلامیان، در (سفر پیدایش ۱۰:۲۲) به عنوان پسر سام آمده است که این اشاره فقط می‌تواند بر بودن سامیان در این منطقه دلالت کند

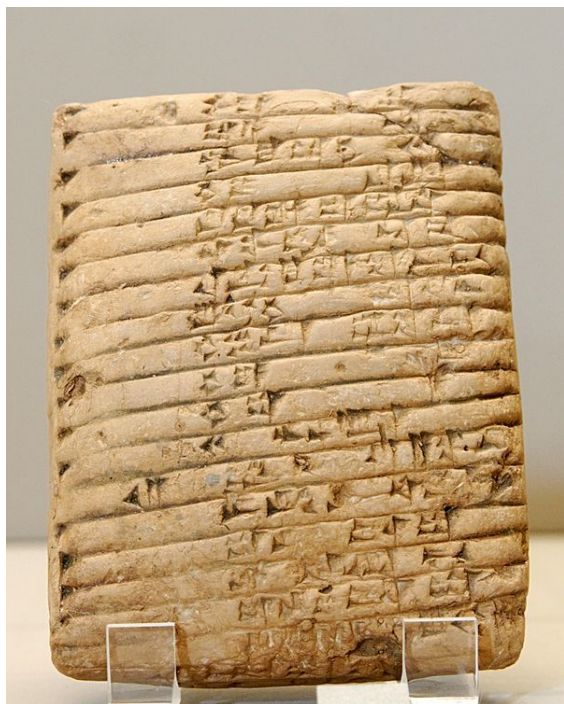
نیا-ایلامی دوره‌ای از تاریخ ایلام در بین سال‌های ۳۲۰۰ تا ۲۷۰۰ پیش از میلاد است.

۲.۳ ایلام باستان

در دوره ایلامی باستان، سه سلسله به ترتیب حکومت کردند. شاهان دو سلسله اول، یعنی سلسله‌های اوآن و سیماشکی، در فهرست شاهانی که از شوش دوره بابلی قدیم به دست آمده، ذکر شده‌اند. در این سند ابتدا دوازده نام ذکر شده و عبارت «دوازده شاه اوآن» به دنبال آن می‌آید، سپس دوازده نام دیگر ذکر شده و عبارت «دوازده شاه سیماشکی» به دنبال آن می‌آید. برخلاف متون مشابه میان‌رودانی، در این سند ساده نه به سال‌های حکومت شاهان اشاره شده و نه نسب ایشان مشخص گردیده؛ و هیچ نشانه‌ای از جامع بودن این دو فهرست در دست نیست. اما هر چند این سند تا حدی ساختگی به نظر می‌رسد، برخی افراد مذکور در آن از طریق منابع دیگر شوش یا میان‌رودان شناخته شده‌اند، در نتیجه معلوم می‌شود که آنها شخصیت‌های تاریخی بوده و تخیلی نیستند. سلسله سوم، یعنی اپارتی‌ها، با دوره بابلی قدیم در میان‌رودان همزمان است؛ این سلسله ایلامی را اغلب «سلسله سوکل مخ‌ها» می‌نامند زیرا شاهان آن لقب سوکل مخ داشتند.^[19]

۱.۲.۳ پادشاهی اوآن

نوشتار اصلی: پادشاهی اوآن
پادشاهی اوآن تا حدی با سلسله سارگن اکدی (۲۳۳۴ تا ۲۲۷۹ پیش



دودمان نامه شاهان اوآن و شاهان سیماشکی؛ ۱۸۰۰ تا ۱۶۰۰ پیش از میلاد، موزه لوور.

از میلاد) هم‌زمان بود و گمان می‌رود آخرین پادشاه این سلسله، پوزور اینشوشیناک، در زمان اور نمو (۲۱۱۲ تا ۲۰۹۵ پیش از میلاد) بنیان‌گذار سومین سلسله پادشاهی اور، سلطنت می‌کرد. در این مرحله اطلاعات راجع به ایلام در منابع میان‌رودان بسیار واضح و روشن می‌شوند، زیرا توجه میان‌رودانی‌ها به ثروت‌های طبیعی فلات ایران (مانند چوب، سنگ و فلزات) که خود فاقد آن بودند، جذب شده بود. گزارش لشکرکشی‌های ایشان اطلاعات مهمی برای بازسازی تاریخ و جغرافیای ایلام به دست می‌دهد. درباره هفت پادشاه نخستین مندرج در فهرست شاهان شوش هیچ چیز نمی‌دانیم،

پیش از میلاد را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که طبق تصور میان‌رودانی‌ها در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد، کشور ایلام تمامی فلات ایران را در بر می‌گرفت، و از میان‌رودان تا دشت کویر و دشت لوت و از دریای کاسپین تا خلیج فارس گسترده بود.^[15]

اما نفوذ فرهنگ ایلامی در آن دوره بسیار گسترده‌تر از این مرزهای سیاسی بود و به آسیای مرکزی، افغانستان، پاکستان و سواحل جنوبی خلیج فارس می‌رسید. باید تاکید کرد که در طی سده‌های آخر هزاره سوم، سوزیانا گاهی اوقات از نظر سیاسی به امپراتوری‌های میان‌رودان وابسته بود که مرکز این امپراتوری‌ها ابتدا اکد و سپس اور بود؛ سوزیانا تنها برای مدت کوتاهی عضو کنفدراسیون ایلامی بود. کنفدراسیون ایلامی از چندین پادشاهی تشکیل می‌شد: پادشاهی اوآن (احتمالاً در ناحیه زاگرس)، سیماشکی یا به تلفظ آشوری، شیمشکی (احتمالاً از کرمان تا دریای کاسپین) و انشان (استان امروزی فارس که به طور طبیعی از ناحیه بوشهر به خلیج فارس دسترسی دارد). باید افزود که کل این تعریف از دیدگاه میان‌رودانی‌هاست. برای مردم فلات ایران، یعنی اوآنی‌ها و شیمشکی‌ها، ایلام به معنی سرزمین انشان بود.^[16]

هنگامی که ایلامی‌ها با مردم سوزیانا متحد شدند و در سال ۲۰۰۴ پیش از میلاد به امپراتوری سوم اور پایان دادند، آنها سوزیانا را به ایلام ضمیمه کردند؛ سپس نهمین شاه سیماشکی در سوزیانا، دودمان اپرتی یا سوکل مخ‌ها را تشکیل داد. بنابراین، این سلسله ریشه در فلات ایران داشت. مشخص کردن مرزهای شرقی پادشاهی اپارتی مشکل است، اما با کم‌شدن قدرت ایشان در سده ۱۸ پیش از میلاد، احتمالاً نفوذ ایشان در شرق هم کاهش یافت. درباره «پادشاهان انشان و شوش» که در دوران ایلامی میانه (۱۵۰۰ تا ۱۱۰۰ پیش از میلاد) حکومت می‌کردند، بنا به مدارک موجود، می‌دانیم که حداقل بر استان‌های امروزی خوزستان، فارس و بوشهر اعمال سلطه داشتند. در هزاره اول پیش از میلاد، گسترش اقوامی که به زبان‌ها و لهجه‌های هندوایرانی سخن می‌گفتند به داخل فلات ایران، باعث شد که ایلامی‌ها قلمروهای امپراتوری خود را یکی پس از دیگری از دست بدهند و در سوزیانا پناه بگیرند؛ از این پس بود که مرزهای ایلام به سوزیانا محدود گردید. در سالنامه‌های آشوربانیپال، کتیبه‌های هخامنشی و کتاب مقدس و کتب جعلی آن به همین سرزمین کوچک اشاره شده‌است.^[17]

با وجود پیشرفت‌های جدید، شناخت ما از تاریخ ایلام همچنان بسیار ناقص است. به دلیل اندک بودن منابع بومی، بازسازی تاریخ ایلام عمدتاً باید بر مبنای متون میان‌رودان صورت بگیرد. تاکنون بزرگ‌ترین قسمت متون ایلامی در حفاری‌های شوش بدست آمده، شهری که از بدو پیدایش در حدود ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد، گاه زیر سلطه قدرت ایلام و گاه زیر سلطه میان‌رودان بوده‌است. در حفاری‌های قدیمی‌ترین سطوح محوطه شوش، سفال‌های قابل توجهی به دست آمده که مشابه آنها در میان‌رودان یافت نمی‌شود. در حالی که در دوره بعدی (سطوح ۲۲ تا ۱۷ در کاوش‌هایی که «لو برون» انجام داده) مواد باستان‌شناسی به دست آمده با مواد میان‌رودان در دوره اوروک شباهت دارد. از حدود ۳۲۰۰ پیش از میلاد، می‌توان تأثیر فلات ایران را در شوش مشاهده کرد؛ زیرا نمونه‌های مشابه الواح عددی و سپس الواح ایلامی ابتدایی که در شوش پیدا شده، در تعداد کمتر در سایت‌های فلات ایران تا نقاط دوردستی چون شهر سوخته در سیستان به دست آمده‌است. خط عیلامی ابتدایی که تمامی تلاش‌ها برای کشف رمز آن ناکام مانده‌است، تا حدود ۲۷۰۰ پیش از میلاد استفاده می‌شد اما در دوره کمتر شناخته شده بعدی، یعنی بین پایان دوره نیا-ایلامی و تأسیس سلسله اوآن، ایلام به تدریج از گمنامی در آمد. نخستین بار که نام پادشاهی ایلام را می‌بینیم در کتیبه‌ای از انمیرگسی شاه کیش است که در حدود ۲۶۵۰ پیش از میلاد حکومت می‌کرد. اما تنها از آغاز دوره اکدی است که نام ایلام در منابع مکتوب دیده می‌شود.^[18]

۱.۳ نیا-ایلامی

نوشتار اصلی: نیا-ایلامی

اما هشتمین و نهمین شاه (به ترتیب معکوس) در گزارش لشکرکشی‌های سارگن و پسرش ریموش ذکر شده‌اند. هدف اصلی این لشکرکشی‌های اکدی بهره‌برداری اقتصادی از سرزمین ایلام شامل مرخشی (بلوچستان) بود. اما به‌نظر می‌رسد که این لشکرکشی‌ها در حد تاخت‌وتاز برای کسب غنیمت بود نه فتح واقعی آن قلمرو پهناور. منیش توشو، شاه اکدی، به جنگ در جنوب ادامه داد و یک پیروزی در «شخیروم» در ساحل خلیج فارس به دست آورد، سپس برای مطیع کردن اتحادیه‌ای از سی و دو شهر در ساحل عربی خلیج فارس از دریا عبور کرد. در دوران حکومت نرام-سین اکدی، یک معاهده بین حاکم تابع نرام-سین که در شوش حکومت می‌کرد و شاه اوان، شاید خیتا، منعقد شد. این قدیمی‌ترین متن شناخته‌شده ایلامی است که با نشانه‌های خط میخی نوشته شده اما ترجمه و تفسیر آن سخت است.^[20]

آخرین پادشاه فهرست شاهان شوش، پوزور اینشوشینک، ابتدا شوش و سپس انشان را فتح کرد و به نظر می‌رسد که با مطیع کردن پادشاه سیماشکی توانست وحدت کوتاه‌مدتی در فدراسیون ایلامی به‌وجود آورد؛ اما جانشینان او نتوانستند که شوش را در قلمرو ایلام نگاه‌دارند. پوزور اینشوشینک چندین کتیبه با نام خود در شوش باقی گذاشته است. برخی از آنان به اکدی نوشته شده‌اند و بقیه به خط ایلامی باستان یا ایلامی خطی؛ ایلامی خطی یک نظام نگارشی است که تنها معدودی از نشانه‌های آن با قطعیت رمزگشایی شده‌اند. شاید نشانه‌های ایلامی خطی از ایلامی ابتدایی گرفته شده باشند. اما سلطه پادشاهان ایلام بر شوش دیری نپایید، چند سال بعد شولگی، پادشاه اور (۲۰۹۴ تا ۲۰۴۷ پیش از میلاد)، این شهر و نواحی اطراف آن را دوباره تصرف کرد، و بار دیگر شهر شوش بخش تابع امپراطوری میان‌رودان شد و تا فروپاشی آن امپراطوری به همین شکل باقی ماند.^[21]

۲.۲.۳ پادشاهی سیماشکی

نوشتار اصلی: پادشاهی سیماشکی

موضوع دوم، که همانند موضوع اول، مانعی برای بازسازی درست تاریخ ایلام بوده، کتیبه‌ای از شیلخک اینشوشینک است که در آن، گروهی از شاهان پیشین خود را نام می‌برد که معبدی متعلق به اینشوشینک را بازسازی کرده بودند. اکثریت مورخان گمان کرده‌اند که شیلخک اینشوشینک در این کتیبه، شاهان پیشین خود را بر حسب ترتیب زمانی ذکر می‌کند و می‌توان این فهرست را با وارد کردن نام شاهانی که به آن‌ها اشاره نشده، کامل کرد. اگرچه نام پادشاهان اولیه، عموماً در ابتدای فهرست آمده و در انتها به پادشاهان جدیدتر اشاره شده، درون هر گروه ترتیب چینش شاهان با منابع دیگر تعارض دارد. ترتیب زمانی بهم‌خورده، چون چینش شاهان بر مبنای نسب است؛ گاهی اوقات، در ابتدا شاخه مستقیم آورده شده سپس شاخه‌های عرضی، اما گاه شاخه‌های عرضی، بدون توجه به ترتیب زمانی، بر شاخه مستقیم مقدم شده‌است. ترتیب شاهان دوره سوکل مخ‌ها به این صورت است: «اِپرتی (ابارات)، شیلخخه، سیروک توخ، سیوه پلر خویپاک، کوک گیرمش، اته خوشو، تمیخلکی، و کوک نشو». در اینجا ترتیب اِپرتی، شیلخخه، سیروک توخ، سیوه پلر خویپاک در شاخه مستقیم صحیح است (رابطه پدر پرسی دارند). اما دو شاه بعدی یعنی کوک گیرمش و اته خوشو، از نظر ترتیب زمانی در جای درست نیستند، زیرا ایشان بین دوره شیلخخه و سیروک توخ حکومت کردند. بنابراین کوک گیرماش از یک شاخه عرضی بود و به‌همین دلیل در فهرست کتیبه شیلخک اینشوشینک، وی «پسر لانتوکو» نامیده شده‌است. نام لانتوکو در منابع دیگر نیامده و احتمالاً هرگز به حکومت نرسیده‌است. احتمال دارد که وی برادر یکی از سوکل مخ‌ها بوده‌است که وقتی درگذشت، وارث مستقیم نداشت یا وارث او برای سلطنت، بسیار جوان بود و به‌این دلیل، پسر برادر او یعنی پسر لانتوکو به حکومت رسید. دلایل بیشتر، از کتیبه‌های برخی از کارمندان رده بالایی به‌دست می‌آید که بعد از خدمت در دستگاه ایدادو دوم، دهمین پادشاه سیماشکی، به کوک گیرماش خدمت کردند. بنابراین، او آن‌گونه که در گذشته به نادرست پنداشته می‌شد، نمی‌توانست در قرن پانزدهم پیش از میلاد حکومت کرده‌باشد. تمتی خلکی و کوک نشور آخرین شاهان شناخته‌شده سوکل مخ‌ها، احتمالاً از شاخه مستقیم بودند.^[24]

سرانجام، موضوع سوم این بود که مورخان گمان می‌کردند، کتیبه‌ای از اته خوشو نشان می‌دهد که زمان حکومت اِپرتی، شیلخخه و اته خوشو هم‌زمان بوده و نخستین حکومت سه نفره سلسله را تشکیل داده‌اند. در واقع بر اساس مدارک مختلفی، به ویژه مهرهای استوانه‌ای خدمت‌گزاران این پادشاهان، می‌توان نشان داد که بین شیلخخه و اته خوشو، شش سوکل مخ اعمال قدرت کرده‌اند: «پالا ایشن، کوک گیرماش، کوک سنیت، تم سنیت، کوک نخوتنه و کوک نشور اول». این گروه در قرن بیستم پیش از میلاد سلطنت کردند، اما بسیاری از پژوهشگران، مانند والتر هینتس و هاید ماری کخ، حکومت ایشان را در قرن شانزدهم پیش از میلاد می‌دانند.^[25]

با توجه به اصلاح شدن تفاسیر مربوط به این سه مورد، امروزه می‌توان تاریخ سلسله اِپرتی را به طور منسجم، اگرچه ناکامل، نوشت. پادشاهان سیماشکی که جانشین کینداتو شدند، بعد از سقوط امپراطوری اور در شوش مستقر شدند. پادشاهان سیماشکی، ایدادو اول و تن روخواتر دوم (که با مکوبی، دختر بیلالا پادشاه اشونونا در میان‌رودان ازدواج کرد) معاقدی را در شوش

اما هشتمین و نهمین شاه (به ترتیب معکوس) در گزارش لشکرکشی‌های سارگن و پسرش ریموش ذکر شده‌اند. هدف اصلی این لشکرکشی‌های اکدی بهره‌برداری اقتصادی از سرزمین ایلام شامل مرخشی (بلوچستان) بود. اما به‌نظر می‌رسد که این لشکرکشی‌ها در حد تاخت‌وتاز برای کسب غنیمت بود نه فتح واقعی آن قلمرو پهناور. منیش توشو، شاه اکدی، به جنگ در جنوب ادامه داد و یک پیروزی در «شخیروم» در ساحل خلیج فارس به دست آورد، سپس برای مطیع کردن اتحادیه‌ای از سی و دو شهر در ساحل عربی خلیج فارس از دریا عبور کرد. در دوران حکومت نرام-سین اکدی، یک معاهده بین حاکم تابع نرام-سین که در شوش حکومت می‌کرد و شاه اوان، شاید خیتا، منعقد شد. این قدیمی‌ترین متن شناخته‌شده ایلامی است که با نشانه‌های خط میخی نوشته شده اما ترجمه و تفسیر آن سخت است.^[20]

آخرین پادشاه فهرست شاهان شوش، پوزور اینشوشینک، ابتدا شوش و سپس انشان را فتح کرد و به نظر می‌رسد که با مطیع کردن پادشاه سیماشکی توانست وحدت کوتاه‌مدتی در فدراسیون ایلامی به‌وجود آورد؛ اما جانشینان او نتوانستند که شوش را در قلمرو ایلام نگاه‌دارند. پوزور اینشوشینک چندین کتیبه با نام خود در شوش باقی گذاشته است. برخی از آنان به اکدی نوشته شده‌اند و بقیه به خط ایلامی باستان یا ایلامی خطی؛ ایلامی خطی یک نظام نگارشی است که تنها معدودی از نشانه‌های آن با قطعیت رمزگشایی شده‌اند. شاید نشانه‌های ایلامی خطی از ایلامی ابتدایی گرفته شده باشند. اما سلطه پادشاهان ایلام بر شوش دیری نپایید، چند سال بعد شولگی، پادشاه اور (۲۰۹۴ تا ۲۰۴۷ پیش از میلاد)، این شهر و نواحی اطراف آن را دوباره تصرف کرد، و بار دیگر شهر شوش بخش تابع امپراطوری میان‌رودان شد و تا فروپاشی آن امپراطوری به همین شکل باقی ماند.^[21]

از دوازده پادشاه سیماشکی که نام آنان در فهرست شاهان شوش ذکر شده، نام ۹ نفر در منابع دیگر آمده‌است. در قسمت اول این دوره مشاهده می‌کنیم که میان‌رودانی‌ها پی‌درپی به فلات ایران حمله می‌کنند؛ به‌نظر می‌رسد که هدف اصلی این حمله‌ها، سیماشکی، موطن پادشاهان ایلامی بود که در ناحیه کرمان امروزی قرار داشت؛ اما حمله‌ها به‌ندرت موفق‌آمیز بود. در میان این لشکرکشی‌ها دوره‌هایی از صلح بود که با ازدواج میان خانواده‌های سلطنتی همراه بود. برای مثال، شو سین، پادشاه اور، یکی از دخترانش را به ازدواج شاهزاده انشان درآورد، اما بعداً حداقل دو بار به ساحل جنوب شرقی دریایی کاسپین حمله کرد. به‌نظر می‌رسد که میان‌رودانی‌ها برای به‌دست‌آوردن مواد خام مورد نیاز، گاه به روش‌های صلح‌آمیز و گاه به زور توسل می‌جستند. اما قدرت میان‌رودانی‌ها رو به افول بود. ایبی سین، آخرین پادشاه سلسله اور (۲۰۲۸ تا ۲۰۰۴ پیش از میلاد)، قادر نبود به عمق قلمرو ایلام نفوذ کند و عامل او، ایر نانا، دیگر بر قسمت عمده شرق امپراطوری سلطه نداشت و تنها بر سرزمین‌های خط شمال غربی به جنوب شرقی از آریلا به بشیمه در ساحل شمالی خلیج فارس تسلط داشت. در سال ۲۰۰۴ پیش از میلاد، ایلامی‌ها با سوزیانا متحد شدند و به رهبری کینداتو، ششمین پادشاه سیماشکی، اور را فتح کردند و ایبی سین را به‌عنوان زندانی به ایلام بردند.^[22]

۳.۲.۳ پادشاهی اِپرتی

نوشتار اصلی: پادشاهی اِپرتی

به نظر می‌رسد این دوره طولانی که حدوداً سه سده به‌طول انجامید، با وجود تعداد بیشتر و تنوع مدارک موجود، هنوز یکی از مغشوش‌ترین دوره‌های تاریخ ایلام است. سه موضوع که بازسازی تاریخ این دوره را کاملاً تحریف کرده و مورخان جدید را به اشتباه انداخته است:

اول، ترتیب جانشینی و شجره‌نامه حاکمان این دوره است؛ در نتیجه تفسیر نادرست عبارت اکدی «پسر خواهر شیلخخه» (mār ahāti(-šū))

۳.۳ ایلام میانه

در دوره ایلام میانه، شاهان ایلامی سریعاً راه خود را از دوره قبل جدا کردند. در واقع ویژگی این دوره، «ایلامی شدن» سوزیانا است (برخلاف «سامی شدن» در دوره قبل). شاهان این دوره، عنوان سوکل مخ یا سوکل را رها کردند و عنوان قدیمی «شاه انشان و شوش» را بر گزیدند (در کتیبه‌های اکدی به صورت «شاه شوش وانشان»). زبان اکدی در زمان اولین خانواده حاکمان ایلامی میانه، یعنی کیدینوها، هنوز استفاده می‌شد، ولی در کتیبه‌های دو دودمان بعدی، ایگه هلکی‌ها و شوتروکی‌ها، به ندرت دیده می‌شود.

درخشان ترین دوره حاکمیت ایلامی‌ها از نظر هنر و معماری، دوره میانی است که در آن آثار معماری ارزشمندی ایجاد گردیده که اغلب معابد هستند. ایلامی‌ها هم مانند اقوام باستانی دیگر به مذهب و پرستش خدایان متعدد اهمیت می‌دادند و موید این مطلب کشف معابد، گورها و نقوش برجسته در نقاط استقرار آنهاست. یکی از آثار قابل تأمل و مهم آنها زیگورات چغازنبیل است.

در این دوره مجمع خدایان ایلامی بر سوزیانا تحمیل شد و با ساخت مجموعه سیاسی-دینی چغازنبیل، به اوج قدرت خود رسید.^[30]

زیگورات چغازنبیل کهن ترین اثر ایرانی است که دارای ابعاد و خصوصیات خیره کننده است و با اهرام مصر برابری می‌کند. این بنا عظیم به صورت هرم مطبق یا پله پله ساخته شده است.^[31]

در حدود ۱۲۴۴ تا ۱۲۰۸ پیش از میلاد، درگیری‌های بین ایلام و آشور افزایش پیدا می‌کند. توکولتی نینورتای یکم پادشاه آشور به کوه‌های شمال ایلام حمله می‌کند. در همین دوره و در زمان پادشاهی کیدین خوران (Kidin-Kutran) ایلام به بابل حمله می‌کند.^[32]

در حدود ۱۱۷۱ پیش از میلاد، کویترناحونته شاه ایلام به بابل حمل کرده و آن سرزمین را فتح می‌کند.^[33]

در حدود ۱۴۱۰ تا ۷۷۰ پیش از میلاد، اتحاد ایلام و بابل علیه آشور صورت می‌پذیرد.^[34]

۱.۳.۳ دودمان کیدینوها

نوشتار اصلی: دودمان کیدینو

به کار بردن واژه دودمان برای کیدینوها شاید نادرست باشد، زیرا هنوز هیچ نشانه‌ای از رابطه پدر فرزندی بین پنج حاکمی که یکی پس از دیگری به حکومت رسیدند، در دست نیست: کیدینو، اینشوشینک سونکیر نی پی، تنروخورا تر دوم، شالا، و تپتی اهر. مدارک شوش و هفت تپه، کیناک باستان، نشان می‌دهند که بین دوره سوکل مخ و دوره ایلامی میانی انقطاعی وجود دارد. نخستین نشانه انقطاع، انتخاب لقب بود. کیدینو و تپتی اهر خود را «شاه شوش و انزان» نامیدند و به این شکل خود را به سنتی کهن متصل کردند. لقب دیگر آن دو، «خدمتگزار کیرواشیر» خدایی ایلامی است، بدین گونه مجمع خدایان فلات ایران را در سوزیانا رواج دادند. اما مانند دوره قبل، آنان همچنان زبان اکدی را در تمام کتیبه‌های خود استفاده کردند.^[35]

۲.۳.۳ دودمان ایگه هلکی

نوشتار اصلی: دودمان ایگه هلکی

تا همین اواخر، به نظر می‌رسید که دودمان ایگه هلکی یکی از شناخته شده‌ترین دودمان‌ها در تاریخ ایلام است. مورخین گمان می‌کردند که به دنبال حمله یکی از شاهان کاسی به نام کوریکلز دوم (۱۳۳۲ تا ۱۳۰۸ پیش از میلاد) علیه شاه ایلامی به نام هورپتیلیا ایگه هلکی در حدود سال ۱۳۲۰ پیش از میلاد، قدرت را به دست گرفت؛ سپس حکومت وی

ساخته یا تجدید بنا کرده‌اند. اما اپرتی دوم اگرچه در فهرست شاهان شوش نهمین شاه سیماشکی نامیده شده‌است، بنیانگذار سلسله‌ای جدید بود که مورخین امروزی آن را سلسله اپرتی‌ها می‌نامند. جای تعجب است که اولین شاهان اپرتی، همزمان با آخرین شاهان سیماشکی (یعنی ایدادو دوم، ایدادو نیپر، و احتمالاً ایدادو تمتی) حکومت می‌کردند. اپرتی، اولین شاه سلسله‌اش، حداقل در بخشی از عمرش با گروهی از شاهان سوکل مخ، همزمان بود. دومین شاه اپرتی، شیلخخه، در دو سند از دوره اته-خوشو ذکر شده است؛ اته خوشو با سومو ابوم (۱۸۹۴ تا ۱۸۸۱) نخستین شاه سلسله اول بابل، همزمان بود.^[26]

دو ویژگی در سلسله سوکل مخ‌ها قابل توجه است: یکی طول حکومت ایشان و دوم، تمایل روزافزون خاندان سلطنتی به فرهنگ سامی. با ملحق کردن سوزیانا به امپراتوری ایلام، سوکل مخ‌ها باعث شدند که شوش همچنان مرکزی مهم بماند. این فرایند در چند حوزه مشهود است. برای مثال، ایلامی‌ها زبان خود را بر مردم شوش تحمیل نکردند؛ اکثریت غالب اسناد این دوره که از حفاری‌های شوش به دست آمده، به زبان اکدی هستند؛ بیشتر آنها اسناد حقوقی یا اقتصادی مربوط به زندگی روزمره بوده و نام سوکل مخ یا سوکل در آنها ذکر شده‌است.^[27]

همچون زبان، مردم شوش مجمع خدایان (پانتئون) شوشی-میان‌رودانی خود را نیز حفظ کردند که در رأس آن، اینشوشینک، خدای حامی این شهر قرار داشت. خدایان اصیل ایلامی نادر بودند. نهایتاً این توجه به فرهنگ سامی، یا غربی شدن، در القاب مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، عناوین شاهی نیز تمایل سوکل مخ‌ها را به فرهنگ سامی نشان می‌دهد. عنوان «شاه انشان و شوش» که لقب اپرتی، بنیان‌گذار سلسله سوکل مخ‌ها، بود، به زودی کنار گذاشته شد و عناوینی استفاده شد که به کارگزاران میان‌رودانی منصوب شده در شوش یا ایلام در دوران امپراتوری سوم اور متعلق بود. قدرت عالی در دست سوکل مخ بود. گاهی فرمانروا بخشی از قدرت را به فرزندان خود محول می‌کرد، که در این صورت اگر فرماندار ایالت‌های شرقی امپراتوری بودند، لقب «سوکل ایلام و سیماشکی» به ایشان داده می‌شد و اگر فرماندار سوزیانا می‌شدند، به «سوکل شوش» ملقب می‌شدند؛ گاه به این فرماندار «شاه شوش» لقب می‌دادند. بنابراین لازم است تا فرضیه تقسیم قدرت در ایلام را کنار بگذاریم. جانشینی بر تخت شاهی حق پسر ارشد بود، اما یک عنصر مهم به آن اضافه شده بود، مشروعیت، درجه بندی داشت: فرزندان حاصل از ازدواج درون خانوادگی بر فرزندان حاصل از ازدواج با غریبه‌ها تقدم داشتند. فرزندی که از وصلت پادشاه با یک شاهزاده خانم ایلامی، یعنی غریبه (خارج از خانواده)، به دنیا می‌آمد، مشروع بود. اما فرزندی که از وصلت پادشاه با خواهر خودش به دنیا می‌آمد، مشروعیت بالاتری داشت. بنابراین، پسر ارشد که از ازدواج شاه با یک شاهزاده خانم خارج از خانواده (ازدواج برون همسری) به دنیا آمده، می‌بایست تاج و تخت را به برادر کوچک تری که از ازدواج بعدی شاه با خواهرش (ازدواج درون همسری) به دنیا می‌آمد، واگذار می‌کرد. پسری که از ازدواج شاه با دخترش به دنیا می‌آمد، بالاترین درجه مشروعیت را داشت. این مورد چند قرن بعد برای خوتلوتوش اینشوشیناک پیش آمد، که به نظر می‌رسد پسر شوتروک نخونته از دخترش نخونته اوتو بود. در شرایطی که پادشاه وارث مذکر نداشت یا وارث او برای حکومت کردن خیلی جوان بود، قدرت به شاخه عرضی می‌رسید، مانند کشورهای دیگر.^[28]

لازم نبود که «سوکل ایلام و انشان» و «سوکل شوش» با مقام عالی سوکل مخ پیوند خانوادگی داشته باشد. اما گاه پیش می‌آمد که شاه به دلایل عملی (فایده، مصلحت) فرزندان خود را در قدرت شریک می‌کرد. این احتمال وجود دارد که همانند دوره هخامنشی، دربار به هنگام تابستان به علت گرمای شدید، شوش را ترک می‌کرد و در فلات که معتدل تر بود، پناه می‌گرفت. پس احتیاط حکم می‌کند که فرد مورد اعتمادی را برای اداره سرزمین‌های پست منصوب کنند.^[29]

حتی پیچیده‌تر از این بود. در داخل سه دیوار متحدالمرکز چغازنبیل، معابدی برای خدایان مختلف پانتئون جدید شوشی-ایلامی ساخته شده بود و به نظر می‌رسد که تمامی خدایان اصلی کنفدراسیون ایلامی حضور داشتند. برای مثال، پینی کیر، هومبان، کیرمیشیر و نهونته، احتمالاً متعلق به مجمع خدایان اوان بودند؛ در صورتی که روهوراتر و هیشم‌تیک، خاستگاه سیماشکی داشتند. از بین خدایان انشان، می‌توان به زوج نییریشا و کیریرشه، به علاوه کیلخ شوپیر و منتز اشاره کرد. خدایان دیگر شوشی-میان‌رودانی، مانند اینشوشینک، ایشمکرب، نبو، شمش و ادد، بین قدرت ایلام و شوش تعادل برقرار می‌کردند.^[38]

تأسیس شهر چغازنبیل بدون هیچ سابقه‌ای، بیشتر ماهیتی سیاسی داشت تا دینی، زیرا نشان می‌دهد که کنفدراسیون کهن ایلامی از نظر فرهنگی و سیاسی بر سوزیان مسلط شده‌است. عجیب است که این مجتمع عظیم به سرعت متروکه شد. هیچ پادشاه دیگری به جز اونتش نییریشه کتیبه‌های به نام خود در آنجا باقی نگذاشت و شوتروک نخونته گزارش می‌کند که کتیبه‌هایی را از دوراوتاش به شوش برده‌است. دربارهٔ دو جانشین بلافصل اونتش نییریشه، یعنی کیدین هوتران دوم و نییریشه اونتش اطلاعی در دست نیست. لشکرکشی‌های آخرین شاه این سلسله، کیدین هوتران سوم، علیه پادشاهان کاسی بابل، انلیل ندین شومی و ادد شوما ادینا، دلالت می‌کنند که روابط خوب این دو خانواده سلطنتی، به سرعت از بین رفته بود (زمانی بین این دو خانواده روابط حسنه وجود داشت).^[39]

۳.۳.۳ دودمان شوتروکی

نوشتر اصلی: دودمان شوتروکی

در زمان شوتروکی‌ها، شوش، بزرگی خود را که تا حدی با ساخت چغازنبیل تحت‌الشعاع قرار گرفته بود، دوباره به دست آورد و تمام جلال و شکوه تمدن ایلامی دوباره آشکار شد. ثروت‌های شوتروک نهونته یکم و سه پسر و جانشین او به این نسل جدید «شاهان انشان و شوش» امکان داد تا به کرات علیه شاهان کاسی میان‌رودان لشکرکشی کنند و امپراطوری ایلام و به‌ویژه شوش را با معابدی که به شکل باشکوهی بازسازی شده بودند، تزئین نمایند. سه جانشین شوتروک نهونته عبارت بودند از کوتیر نهونته دوم، شلیهک اینشوشینک و هوتلوتوش اینشوشینک.^[40]

شوتروک نهونته، پسر هلووتوش اینشوشینک، چندین بار علیه میان‌رودان لشکرکشی کرد و از آنجا غنائمی آورد که بر روی آن‌ها نامش را نوشته است. اطلاعات بدست‌آمده از یک نامه که اینک در موزه خاور نزدیک برلین نگهداری می‌شود، مشخص می‌کند که شوتروک نخونته بر بابل ادعای سروری داشت و شاید این جنگ‌ها بعد از انکار بابلی‌ها رخ داد. به این ترتیب، می‌دانیم که او به اکد، بابل، و اشنونا حمله کرد و مجسمه‌های منیش توشو را از اشنونا به غنیمت گرفت. همین شاه ایلامی بود که اسناد مشهوری مانند قانون حمورابی و استل نرام سین را به‌عنوان غنیمت به شوش آورد. در سال ۱۱۵۸ پیش از میلاد، او شاه کاسی، زیبا شوما ایدینا را کشت و پسر ارشد خود کوتیر نهونته را بر تخت سلطنت بابل نشاند. وقتی شوتروک نهونته درگذشت، کوتیر نهونته جانشین او شد و سیاست وی را در میان‌رودان ادامه داد و با معزول کردن انلیل ندین اخی (۱۱۵۷ تا ۱۱۵۵ پیش از میلاد) سلسله طولانی کاسی‌ها را پایان داد. او فقط برای مدت کوتاهی سلطنت کرد و سپس برادرش شلیهک اینشوشینک جانشین او شد. شلیهک اینشوشینک کتیبه‌های زیادی از خود به زبان ایلامی بر جای گذاشته است که از یک سو، لشکرکشی‌های متعدد او را به میان‌رودان ثبت کرده‌اند و از سوی دیگر، معابدی را که او ساخته یا بازسازی کرده و به خدایان تقدیم کرده بود را مشخص می‌کنند. برای مثال، در کتیبه‌ای ذکر می‌کند که بیست معبد «دارای باغ» را در شوش و ایلام تقدیم خدایان کرده‌است.^[41]

آخرین پادشاه این دودمان، هوتلوتوش اینشوشینک، گاه خود را «پسر کوتیر نهونته و شلیهک اینشوشینک» نامیده و گاه خود را «پسر شوتروک نهونته، و کوتیر نهونته، و شلیهک اینشوشینک» می‌نامد؛ وی احتمالاً پسر شوتروک نهونته از دخترش نهونته اوتو بود، که ظاهراً نمونه دیگری از ازدواج با محارم

به شش جانشینش منتقل شد، که معروف‌ترین ایشان اونتش نییریشه است که در حدود ۱۲۵۰ پیش از میلاد، زیگورات معروف چغازنبیل را ساخت. این دوره با کیدین هوتران سوم خاتمه یافت که وی با به‌دست آوردن دو پیروزی در مقابل انلیل ندین شومی (۱۲۲۴ پیش از میلاد) و ادد شوما ایدین (۱۲۲۲ تا ۱۲۱۷ پیش از میلاد) به عظمت و شکوه کاسی‌ها پایان داد. ترکیب اطلاعات بدست‌آمده از یک نامه که اینک در موزه خاور نزدیک برلین نگهداری می‌شود و دو قطعه از یک مجسمه بازکشف‌شده در موزه لوور، موجب تجدید نظر کامل در این تصور گردید. نامه موجود در برلین، یک متن بابلی جدید است که به زبان اکدی نوشته شده‌است، ولی به روی تکه‌های مجسمه، کتیبه‌ای به زبان ایلامی هست. فرستنده نامه یک شاه ایلامی است که نام او روی متن از بین رفته اما به احتمال قوی، شوتروک نهونته یکم است؛ نویسنده ادعا می‌کند که حکومت بابل حق اوست. نام مخاطب نامه هم از بین رفته است. شاه ایلامی برای اثبات ادعایش بر حکومت بابل، نام تمام شاهان ایلامی را که با شاهدختان کاشی ازدواج کرده بودند، به علاوه فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها، ذکر می‌کند. برای نمونه، جانشین بلافصل ایگه هلکی، پهر ایشن یکم، با خواهر یا دختر کوریکلزو اول ازدواج کرد؛ پایان حکومت کوریکلزو اول، سال ۱۳۷۴ پیش از میلاد بوده‌است، پس معلوم می‌شود که سلسله ایگه هلکی تقریباً یک قرن از آنچه پیشتر تصور می‌شد قدیمی‌تر بوده‌است. به‌علاوه، دو شاه که پیشتر ناشناخته بودند در این متن ذکر شده‌اند: یکی، کیدین هوتران دوم، پسر اونتش نییریشه (این شخص نمی‌تواند همان کیدین هوترانی باشد که با کاسی‌ها جنگید)، دوم، پسر وی نییریشه اونتش. چون قطعات مجسمه موزه لوور به کیدین هوتران دیگری که پسر پهر ایشن بوده منسوب است، حتماً سه پادشاه به این نام در سلسله ایگه هلکی‌ها وجود داشته است: کیدین هوتران اول، پسر پهر ایشن؛ کیدین هوتران دوم، پسر اونتش نییریشه و کیدین هوتران سوم که پدرش معلوم نیست؛ بنابراین تعداد پادشاهانی که در این دوره به قدرت رسیدند، از هفت به ده نفر افزایش یافت، و هنوز معلوم نیست که فهرست کامل باشد. در واقع، نخستین توصیف به‌جامانده دربارهٔ این سلسله در یکی از کتیبه‌های شلیهک اینشوشینک از دودمان شوتروکی است؛ وی در آن کتیبه، شماری از شاهان قبلی را نام می‌برد که معبدی از اینشوشینک را بازسازی کرده بودند. در نامه برلین هم فقط به شاهانی که با شاهدخت‌های کاسی ازدواج کرده بودند یا فرزندان ایشان اشاره شده‌است. شاهی که در این دو گروه نباشد، گمنام می‌ماند. سرانجام، اکنون می‌توان تأیید کرد که هورپتیلایا، شاه ایلام نبود بلکه شاه سرزمینی به نام الامات بود.^[36]

ویژگی اصلی این سلسله، «ایلامی کردن» سوزیان است؛ مجتمع دینی چغازنبیل، دوراوتاش باستان، گواهی بر این سیاست است، که در زمان کیدینوها آغاز شده بود. در حالی که اپرتی‌ها، عناوین، خدایان و زبان خود را از شوشی‌ها اقتباس کرده بودند، ایگه هلکی‌ها بر جنبه ایلامی سوزیان تأکید کردند. از این رو، اسناد نوشته‌شده به زبان اکدی از زمان حکومت ایگه هلکی‌ها بسیار نادر است و غالب این نوشته‌های اکدی، لعن و نفرین کسانی‌ست که آثار یادبودی ایشان را خراب کنند، گویی که این ویرانگری تنها از میان‌رودی‌ها برمی‌آید.^[37]

دومین ویژگی این سلسله، احیای عنوان قدیمی «پادشاه شوش و انشان» بود. ویژگی دیگر و مهم‌ترین آنها، حضور قدرتمند خدایان فلات ایران در سوزیان بود. برای نمونه، دیدگاه اونتش نییریشه در چغازنبیل روشن‌گر است؛ در آغاز، شاه، زیگوراتی کوچک در داخل محوطه‌ای به مساحت ۱۰۵ متر مربع ساخت که به دور این محوطه، معبدهایی ساخته شده بود. این زیگورات ابتدایی ضرورتاً به اینشوشینک، خدای حامی شوش و سوزیان تقدیم شده بود. اما، شاه به‌زودی نظر خود را تغییر داد و تصمیم گرفت زیگورات بزرگی بسازد. زیگورات کوچک خراب شد و ساختمان‌هایی که محوطه مربع شکل را احاطه کرده بودند، در طبقه اول بنای جدید ادغام شدند. بنای جدید پنج طبقه داشت و مساحت هر طبقه از مساحت طبقه زیرینش کمتر بود. لازم به تأکید است که ساختمان جدید، مشترکاً به نییریشه، خدای اصلی انشان و اینشوشینک وقف گردید. اینشوشینک همواره بعد از نییریشه و در مقام دوم ذکر می‌شود؛ حتی وقتی کیریریشه، زوجه نییریشه حضور داشت، اینشوشینک در مقام سوم می‌آمد. بدین ترتیب، تقدم جزء ایلامی بر جزء شوشی در ترتیب خدایان نیز منعکس گردید. اما موقعیت

رده شناسی نمی‌توان مسئله فوق را حل کرد و البته جایجایی برخی سازه‌های دستوری معین با شباهت سده رده شناختی نیز امکان‌پذیر نیست.^[46]

در زبان ایلامی کهن ساختمان واژه‌های مرکب را داریم. پدیده‌های این چنین در تاریخ خط شرق باستان چیز تازه‌ای نیست.^[47]

زبان ایلامی، جایگاه خود را پس از ورود اقوام مهاجم نیز نگه داشت و زبان دوم نوشتاری حکومت ایران در دوران هخامنشی بود.^{[48][49]} در بیشتر سنگ نوشته‌های عصر هخامنشی ترجمه ایلامی و بابلی (زبان بین‌المللی آن روزگار) نوشته‌ها نیز آمده‌است.

۵ دین ایلامیان

اساساً دین ایلامی به گونه‌ای پایدار، فردیت و خصوصیات ویژه‌ای دارد. بخش از این فردیت در برگیرنده نوعی عبودیت و احترام غیر متعارف به زنانگی ابدی و پرستش مار است که ریشه در جادو دارد؛ مار یک نقشمایه راستین تمدن ایلام است.^[50]

ایلامیان مطمئن بودند که همه خدایان یک قدرت اسرارآمیز و فوق طبیعی دارند که به وسیله کلمه «کیتن» بیان می‌شود؛ این کلمه از ایلامی به اکدی با تغییر شکل به صورت «کیدنو» وارد شد.

«کیتن هومین» فره ایزدی خاص فرمانروایان بود، به ویژه وقتی که به رأس هرم خدایان ایلام رسید.^[51]

۱.۵ الهه‌های ایلامی

در ایلام سه الهه عنوان مادر خدا را داشته‌اند. شوش پینیکی را داشت، که احتمالاً از کوه‌های قسمت شمال منشأ گرفته بود، کیرییش مادر خدایان قسمت کناره جنوبی خلیج فارس بود، و کوه‌های شرقی قسمت انشان الهه پرتی را داشتند. اما به مرور زمان ترکیب جدیدی در ترتیب خدایان ایلامی به وجود آمد؛ مادر خدایان، چه پینیکی و چه کیرییش، نه بی درگیری، سرانجام به برتری یک خدای مذکر گردن نهادند. اما این الهه‌های زن هرگز از گروه خدایان برتر ایلامی حذف نشدند، زیرا در قلب افراد عامی جایگاهی ابدی داشتند.

خدای مذکری که الهه‌های بزرگ مجبور شدند جای خود را به او بدهند هومین بود. در طول هزاره سوم هنوز او در مقام سوم قرار داشت، اما از اواسط هزاره دوم قبل از میلاد در رأس خدایان ایلامی قرار گرفت. هومین به عنوان خدای آسمان‌ها، در شوش، او شوهر الهه آسمان‌ها بود که ابتدا پینیکی و بعدها کیرییش به شمار می‌آمد. در واقع، عنوان همسر بزرگ را داشت؛ که این ازدواج دوم منتج به تولد خدایی به نام هوتن شد.

از مهم ترین خدایان ایلامی می‌توان به این شوشینک اشاره کرد که در میان همه خدایان ایلامی عمیق ترین نفوذ را بر روحیات ایلامی‌ها داشته است. این خدا فرمانروای جهان مردگان بود و الهه‌های همکار او ایشنیکرب و لگمل بودند. در سرتاسر ایلام اعتقاد به زندگی پس از مرگ وجود داشته است، روح جدا شده از زمین توسط دو خدای راهنما، ایشنیکرب و لگمل پیشواز و به سوی این شوشینک راهنمایی می‌شد که رأی خود را در مقام «ارزیاب روح‌ها» صادر می‌کرد.^[52]

خدای خورشید ایلامی نِهونت نامیده می‌شد؛ که در اصل نَن هوند یعنی خالق روز بود. نِهونت خدای مخصوص اجرای قوانین هم بوده است. خدای ماه احتمالاً نییر نامیده می‌شد و لقب او درخشنده بود و برای ایلامیان بالاتر از همه پدر یتیمان محسوب می‌شد.

از دیگر خدایان ایلامی؛ سیموت که پیک نیرومند خدایان بود، منزرت که همسر سیموت بود، سیشوم که حافظ قصر خدایان بود، نرونت که الهه پیروزی خوانده می‌شد، شزی خدای رودها که در محاکمات به عنوان قاضی آزمون‌های سخت به او متوسل می‌شدند را می‌توان ذکر کرد.^[53]

در داخل خاندان سلطنتی ایلام است. هوتلوتوش اینشوشینک به اندازه شاهان قبلی‌اش با کفایت نبود و برای مدت کوتاهی، نبوکد نصر شوش را از وی گرفت. وی در انشان پناه گرفت، در آنجا معبدی را ساخت یا بازسازی کرد و سپس به شوش بازگشت، و احتمالاً در آنجا برادرش شیلپهنا امرو لگمر جانشین وی شد. با این پادشاه، قدرت ایلام برای مدت طولانی از صحنه سیاسی محو شد.^[42]

۴.۳ ایلام نو

ویژگی اصلی و متمایزکننده دوره ایلامی نو، ورود انبوه ایرانیان به فلات ایران بود، که در نتیجه، آنچه از امپراطوری سابق ایلام برجای مانده بود، باز هم کوچک‌تر شد. هر چند این مهاجمان در متون ایلامی دیر ظاهر می‌شوند، اما حضور ایشان بر اساس منابع آشوری مسلم است. در منابع آشوری دو گروه از مادها متمایز شده‌اند: «مادهای قدرتمند» و «مادهای دور» یا «مادهایی که در کنار کوه بیکنی، کوهستان سنگ لاجورد، زندگی می‌کنند». گروه اول که منطقه اطراف هگمتانه (همدان امروزی) را اشغال کرده بود، به دلیل برخورداری مکرر و غالباً ستیزه‌جویانه با آشوری‌ها به خوبی شناخته شده‌است؛ اما گروه دوم، شامل تمام قبایلی که نواحی میان اطراف تهران امروزی و شرق افغانستان را در دست داشتند، به خوبی شناخته نشده‌است. هخامنشیان (و به پیروی از ایشان، هروودت) گروه دوم را به نام ذکر می‌کنند: «پارتی‌ها، سگرتی‌ها، آریان‌ها، مرگیان‌ها، باکتری‌ها، سغدی‌ها و احتمالاً مردمان همسایه ایشان.» اما در سالنامه‌های آشوری تمام این قبایل ایرانی (به اشتباه) زیر عنوان کلی «مادهای دوردست» آمده‌اند. یکی دانستن کوه بیکنی با دماوند و الوند قابل قبول نیست. یکی دانستن کوه بیکنی با منابع سنگ لاجورد در بدخشان نه تنها با نوشته‌های نویسندگان کلاسیک تأیید می‌شود، بلکه از نظر تاریخی هم منطقی و قابل قبول است، خواه منابع آشوری، ایلامی، یا ایرانی آن را ثبت کرده باشند یا نه. پیشرفت کند مادها و پارس‌ها در فلات، ایلامی‌ها را از انشان به سمت سوزیانا راند، که نزدیک به هزار و پانصد سال دومین مرکز امپراطوری ایشان بود. سرزمین انشان به تدریج تبدیل به پارس گردید و تنها بعد از آن بود که سوزیانا به عنوان ایلام شناخته شد. در بیشتر منابع این دوره، به ویژه در منابع میان‌رودانی، سوزیانا ایلام نامیده می‌شود. با این حال، شاهان ایلامی نو هنوز خود را «پادشاه انشان و شوش» می‌نامیدند؛ به جز سه شاه آخر، یعنی اومانونو، شلیپاک اینشوشینک دوم و تبتی هومبان اینشوشینک.^[43]

۴ زبان و خط ایلامی

نوشتار اصلی: زبان ایلامی

در ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد وقتی سومریان خطی تصویری به عنوان ابزاری کمکی برای نگاه داری حساب هایشان اختراع کردند، این ابداع به سرعت به همسایگان ایلامی شان رسید. زیرا بلافاصله پس از آن اولین لوحه‌های زبان تصویری ایلام را در شوش می‌بینیم. این به اصطلاح خط ایلامی آغازین، هم در شروع و هم تا مدتی بعد، مانند سومری، یک خط کاملاً تصویری بود.^[44]

خط آغازین ایلامی احتمالاً حداکثر ۱۵۰ نشانه داشته است. از این خط صرفاً تصویری، به تدریج یک خط هجایی به وجود آمد. نشانه‌های خط هجایی-ترسیمی در مرحله آخرین خود حدود ۸۰ نشانه بود و معمولاً از بالا به پایین نوشته می‌شد.^[45]

زبان ایلامی در مقایسه با زبان هوریایی، قفقازی و برخی زبان‌های دیگر، اصولاً تصریف ندارد. حتی اثری از پایانه‌های صرفی در آن دیده نمی‌شود، اما تعداد قابل توجهی ادات واژه بست، پیشوند و میانوند خاص، یا به بیان دقیق تر، وند دارد.

زبان ایلامی در نوع خودش زبانی پیوندی است بدون هرگونه عنصر تصریف. ریشه اسامی و افعال در این زبان تغییر نمی‌کند. از این نظر زبان ایلامی به زبان اورال-آلتایی نزدیکتر است تا به زبان‌های قفقازی. اما تنها با یک شباهت

۶ ایلامیان و سومری‌ها

در سال ۲۲۸۰ پیش از میلاد ایلامیان که در اوج قدرت خود بودند، اور پایتخت سومریان را اشغال و غارت و خدای ویژه آن را به اسارت بردند. سومر مستعمره و خراج‌گذار ایلام شد و در پایان در ۲۱۱۵ ق. م در دوره فرمانروایی ریم سین دولت مشترک سومری [۱] اکدی را به طرزی نابود کردند که ملت سومر هیچگاه نتوانست از خرابه‌های تاریخ سر برآورد. مشیرالدوله پیرنیا در این باره می‌نویسد:

«دمورگان و سایر نویسندگان فرانسوی به این عقیده‌اند که غلبه ایلامیان بر سومری‌ها و مردمان بنی‌سام نتایج تاریخی زیادی دربر داشته، توضیح اینکه ایلامیها بقدری با خشونت و قسمی وحشیانه با ملل مغلوبه رفتار کرده‌اند، که آنها از ترس جان از مساکن و اوطان خود فرار کرده، هر کدام بطرفی رفته‌اند؛ بنابراین عقیده دارند مردمی که رب‌النوع آسور را پرستش می‌کردند، بطرف قسمت وسطای رود دجله و کوهستان‌های مجاور آن رفته شالوده دولت آسور را نهادند. مهاجرت ابراهیم با طایفه خود به فلسطین و بالاخره هجوم هیکسوس‌های سامی نژاد بمصر و تأسیس سلسله‌ای از فراعنه در آن مملکت نیز از نتایج غلبه ایلامیها بر ملل سامی نژاد بود. اما کینگ باین عقیده‌است، که غلبه ایلامیها در ممالک غربی دوام نیافته، زیرا ایلامیها، چون استعداد اداره کردن مملکتی را نداشتند و غلبه آنها بیشتر به تاخت و تاز شبیه بود، نتوانستند ممالک مسخره را حفظ کنند.» [60]

۷ قلمرو فرمانروایی ایلامیان



نقشه‌ای از سرزمین عیلام باستان (نارنجی) و نواحی همسایه آن

پادشاهی ایلام در اوج قدرت خود توانسته بود حتی بر بخش‌های مهمی از میانرودان (بین‌النهرین) هم چیرگی یابد، اما محدوده قدرت مرکزی ایلام شامل سراسر سرزمین ایران نمی‌شده‌است. این پادشاهی اتحادی بوده که ایل‌ها و طوایف منطقه را دربر می‌گرفته، اما چنین یکپارچگی می‌تواند به معنی امپراتوری نباشد. هرگاه ایلامیان قدرت داشتند، نقش مهمی در درگیری‌های سیاسی میان‌رودان بازی کرده و حتی بر بخش‌هایی از آن سرزمین ولو در زمان کوتاهی فرمان رانده‌اند. آن‌ها در حدود سال ۱۹۰۰ پیش از میلاد میان‌رودان را به تصرف خود درآوردند و حکومت سومری را برای همیشه از صحنه تاریخ بیرون کردند. اما به‌طور کلی بیشتر زیر نفوذ و خراج‌گذار اقوام سامی و سومری میان‌رودان بودند.

پروفیسور گیرشمن و بسیاری از تاریخدانان دیگر محل کنونی شهر مسجد سلیمان را پایتخت هخامنشیان می‌دانند. [61]

آثار تمدنی ایلامیان که در انشان و در شوش یافته شده نشانی از تمدن شهری بزرگی در آن دوران بوده‌است. تمدن ایلامیان از راه دریایی و بلوچستان

۲.۵ کاهنان معابد

در همه دوره‌ها یک حوزه مذهبی وابسته به معبد بود؛ در پایتخت کاهنان متعددی بودند و کارکنان زیادی داشتند. در رأس این حوزه کاهن اعظم قرار داشت. در نوشتارهای ایلامی عنوان آن را بر اساس ضبط اکدی اش، «پشیشو زبو» می‌توان یافت؛ کاهنان عادی عنوان ایلامی «شتین» را داشتند. [54]

کاهنه‌های زن ایلامی «مادر روحانی» که «آماهشتوک» نامیده می‌شدند و عالیترین کاهنه ایلام بودند. این کاهنه باید همسر برادرش یعنی میهن سالار (شوکل - مخ) بود. از این رو، برای رسیدن به پادشاهی، نامزد این مقام، بایستی حامل خون پادشاهی از طرف پدر و مادر هر دو بوده باشد که حتی مادر اهمیت بیشتری داشته است. [55]

۳.۵ مراسم مذهبی

مهم‌ترین مراسم مذهبی در ایلام، فستیوال «الهه نگهبان پایتخت» بوده است. از زمان‌های قدیم در شوش آکروپولسی وجود داشته است که دارای حریم مقدسی مشتمل بر معابد خدایان مختلف بوده که معبد این-شوشینک معبد برجسته آن بوده است. «الهه نگهبان پایتخت» احتمالاً به پنیکیتر اطلاق می‌شده است و شاید بعدها به کیریپیش هم اطلاق می‌شده است.

فستیوال «مادر اعظم» در ماه جدید، نزدیک به شروع فصل پاییز که در واقع آغاز سال هم بود، برگزار می‌شد. در باغ‌های مقدس الهه، کوچ‌های اخته پرورش یافته طی مراسم مذهبی که به نام «گوشون» معروف بود، قربانی می‌شدند. از آنجا که این فستیوال «روز قربانی جاری» نامیده می‌شد، جریان خون قربانی اهمیت ویژه‌ای داشت. حساب‌های درباری سلطنتی روشن می‌کند که این فستیوال تزکیه فقط در حریم مقدس صورت نمی‌گرفت، بلکه در حضور شاه و ملکه هم برگزار می‌شد. حیوانات لازم برای قربانی از میان رمه‌های سلطنتی در اوایل سپتامبر انتخاب می‌شد و پس از جدا کردن، هر مورد توسط منشیان مسئول به طریقه مناسب رسمی ثبت می‌شد.

فستیوال «توگه» هم به خدای سیموت (شیموت) تخصیص یافته بود. برای این فستیوال، گاو نری را قربانی می‌کردند. این فستیوال سالی یک بار و در نیمه ماه مه برگزار می‌شد. [56]

۴.۵ معابد مذهبی

اعمال منظم نیایشی ایلامیان - جدا از سفرهای زیارتشان- در معابد و زیارتگاههایی صورت می‌گرفت که مهم‌ترین معبد شناخته شده چغازنبیل است. در میان حصارهای داخلی و خارجی این معبد می‌توان باقی مانده‌های سه معبد دیگر را مشاهده کرد. در قسمت چپ داخلی، بلافاصله پس از دروازه شمالی دیوار درونی، معبد هومین قرار دارد؛ در وسط و در سمت راست شکل، جایگاهی قرار دارد که به دو خدا هیشمیتیک و روهورتز (اعضای پرستش‌گاه در کوه‌های انشان) اختصاص دارد. در گوشه شرقی صحن مقدس مکانی که سینکوک نامیده می‌شود معبدی است که به گروهی از خدایان تعلق داشته که شامل چهار جفت خدا تحت عنوان نیرتیب بوده‌اند؛ نپ واژه ایلامی به معنای خدا است و رتیب در حالت جمع به معنای روزی دهنده است؛ به این ترتیب نیرتیب به معنای خدایان روزی دهنده - شاید خدایان مؤنث- بوده‌اند. [57] از دیگر معابد ایلامیان می‌توان به معبد و پرستشگاه سوهسیپا و پرستشگاههای پلتیا و ایشنی کاراب (ایشینکرب) اشاره نمود. [58]

جالب‌ترین ویژگی معابد ایلامی وجود سه شاخ بزرگ است که در هر طرف دیوارهای معبد نصب می‌شد. سنگ نبشته‌های ایلامی میانه ثابت می‌کند که این شاخ‌ها اول جزء مهمی از هر معبد را می‌ساختند، چون نماد الوهیت بود. [59]

رعیت، کارگزار زمینی کیتن الهی می‌دانستند.^[65] کسی که به آن تعدی می‌کرد، زندگی خود را می‌باخت، مطرود می‌شد و می‌بایست بمیرد.^[66] البته باید توجه داشت که همه خدایان ایلامی چنین کیتنی داشتند ولی کیتن هومیان لااقل از زمانی که این خدا به سروری خدایان ایلامی رسید، فره خاص فرمانروا به حساب می‌آمد. کیتن ایزد هومیان، مخصوص پاسداری ایزدی از شاه ایلام بود و قلمرو حکومت شاه، قلمرو مشترک او با ایزدان بود. برای نمونه، در سندی قضایی درباره مجازات، آمده است: «او باید وارد آب شود، ایزد [رودخانه] شازی، جمجمه او را در گرداب خود تکه تکه کند! دبوس ایزد و شاه بر سر او کوفته شود! از قلمروی ایزد و شاه رانده شود!»^[67] در دادگاه‌های حقوقی ایلام نیز شهادت‌دادن با ادای سوگند به شاه و ایزدان انجام می‌شد و اگر کسی شهادت دروغ می‌داد، ولو اینکه تنها به شاه سوگند خورده باشد، کشته می‌شد؛ بنابراین تخطی از تعهدی که سوگند به فرمانروا ضامن آن بود، نه تنها باعث مجازات‌های دنیوی می‌شد، بلکه عواقب مذهبی سختی نیز در پی داشت و نشان‌گر این نکته است که در دوره ایلامی، شاهان خود را جانشین و خادم ایزدان بر روی زمین می‌دانستند و هرگونه مخالفت با خود، مخالفت با خدایان تلقی می‌شد و مجازات یکسانی داشت.^[68]

بنیان‌گذار دودمان آپرتی که در حدود سال ۱۸۵۰ پیش از میلاد تشکیل شده بود، با تأکید بسیاری خود را «شاه» می‌نامید و هرگز خودش را «حاکم» نخواند. اما در لوحی که از سال اول فرمانروایی او به دست آمده، او خود را «خدا» می‌نامد. این نخستین و تنها باری است که یک فرمانروای ایلامی به مقام خدایی رسیده است. والتر هینتس در این باره می‌گوید: «بر اساس این لوح می‌توان نتیجه گرفت که به قدرت رسیدن آپرت باید یک رویداد بی‌اندازه مهم باشد». البته به زودی این «خودخدانگاری» شاه کنار گذاشته شد و شاهان ایلامی خود را خادم و ابزار دست ایزدان می‌دانستند که از حمایت خاص آنان برخوردار بودند و هیچ‌گاه خود را همسنگ ایزدان به شمار نمی‌آوردند.^[69]

شیوه حکومت ایلامی‌ها تا قبل از سده دوازدهم پیش از میلاد، حکومتی سه نفره بود. به این صورت که علاوه بر شاه، دو زمامدار مقتدر دیگر که مرئوس شاه محسوب می‌شوند، در حکومت بر ایلام سهیم بودند. این دو نفر، برادر و پسر شاه بودند که برادر جوان‌تر شاه نایب‌السلطنه بود و پس از شخص شاه، مقام برتر را داشت و پس از او حاکم شوش بود که می‌بایست پسر شاه باشد.^[70] به عقیده دیاکونوف، عنوان یا لقب سلطنتی، از پدر به پسر نمی‌رسید و محتملاً شاهان از میان مقامات عالی‌رتبه پایین‌تر برگزیده و انتخاب می‌شدند؛ به احتمالی، این عالی‌رتبگان معمولاً از نزدیک‌ترین وابستگان شاهان پیشین بوده‌اند.^[71] اما والتر هینتس معتقد است که نایب‌السلطنه، پس از درگذشت شاه به جای او به تخت می‌نشست و پس از جلوس، می‌بایست با بیوه شاه متوفی ازدواج کند و برادر جوان‌ترش نایب‌السلطنه می‌شد. اگر شاه برادر جوان‌تری نداشت، شاهزاده شوش به مقام نایب‌السلطنه ایلام می‌رسید. اما با جلوس شاه جدید، حاکم شوش در منصب خود باقی می‌ماند و فقط در صورت مرگ او، شاه ایلام می‌توانست پسر خود را به جای وی بگمارد. اگر شاه پسری نداشت، پسر برادر شاه، شاهزاده شوش می‌شد و اگر او پسر و پسر برادری نداشت، پسر خواهر شاه شاهزاده شوش می‌شد. البته از سده دوازدهم پیش از میلاد به بعد، شاه ایلام به تنهایی و بدون دو مقام دیگر حکومت می‌کرد. باید توجه داشت که به‌ارث بردن شاهی، تابع تبار مادری بود و نه پدری. برای نمونه، در دوره ایلام میانه، شیلهاک-اینشوشیناک با مشاهده اینکه جانشینی نیازمند تبار شاهی از سوی مادر است و از آنجا که خود محتملاً فرزند ملکه نبود، برای مشروعیت بخشی به حکومتش، ابتدا با بیوه برادرش ازدواج کرد و سپس در کتیبه‌هایش فهرست بلندی از نسب‌شناسی شاهان ایلامی یعنی اجداد احتمالی خودش را نگاهاشت.^[72]

فرانسوا والا در دانشنامه ایرانیکا می‌نویسد: «جانشینی بر تخت شاهی حق پسر ارشد بود، اما یک عنصر مهم به آن اضافه شده بود: فرزندان حاصل از ازدواج درون خانوادگی بر فرزندان حاصل از ازدواج با غریبه‌ها تقدم داشتند. فرزندی که از وصلت پادشاه با یک شاهزاده خانم ایلامی، یعنی غریبه به دنیا می‌آمد مشروع بود ولی فرزندی که از وصلت پادشاه با خواهر خودش به دنیا می‌آمد مشروعیت بالاتری داشت». بنابراین پسر ارشدی که از ازدواج شاه با یک شاهزاده خانم خارج از خانواده به دنیا می‌آمد، می‌بایست تاج و تخت را به برادر کوچک‌تری که از ازدواج بعدی با خواهرش زاده می‌شد واگذار کند. پسری که از ازدواج شاه با دخترش به دنیا می‌آمد بالاترین درجه مشروعیت را

با تمدن پیرامون رود سند در هند و از راه شوش با تمدن سومر مربوط می‌شده است.

۸ نابودی تمدن ایلام

در سال ۶۴۰ ق. م. آشور بانپال پادشاه نیرومند آشور، ایلام را تصرف و مردم ایلام را کشتار و دولت ایلام را نابود کرد. تمدن دیرینه ایلام، پس از هزاران سال مقاومت در برابر اقوام نیرومندی چون سومری‌ها، آکدی‌ها، بابلی‌ها و آشوری‌ها از دشمن خود آشور شکست خورد و از صفحه روزگار ناپدید گردید. کتیبه آشور بانپال در باره فتح و نابودی ایلام چنین می‌گوید:^[62]

تمام خاک شهر شوشان و شهر ماداکتو و شهرهای دیگر را با توبره به آشور کشیدم، و در مدت یک ماه و یک روز کشور ایلام را با همه پهنای آن، جاروب کردم. من این کشور را از چارپایان و گوسپند، و نیز از نمه‌های موسیقی بی‌بهره ساختم و به درندگان، ماران، جانوران و آهوان رخصت دادم که آن را فرو گیرند.

۹ آثار بجا مانده



تصویر یک زن ایلامی

۱۰ زیگورات چغازنبیل

این بنا که در ۱۹۷۹ در فهرست بازماند (میراث) جهانی یونسکو جای گرفت در استان خوزستان ایران، جنوب شرقی شهر باستانی شوش جای گرفته است. ساخت آن در حدود ۱۲۵۰ پیش از میلاد و توسط اونتاش گال برای ستایش ایزد اینشوشیناک نگهبان شوش انجام شده است. این بنا در حمله آشور بانپال به همراه تمدن عیلامی نابود شد و پس از آن زیر خاک از دیده‌ها ناپدید گردیده بود تا دوران کنونی که توسط رومن گریشمن ایلام‌شناس فرانسوی خاکبرداری گردید.^[63]

۱۰ ساختار حکومت ایلام

عناصر اساسی نظام حکومتی ایلام، درهم‌تنیدگی آن با فره ایزدی بود.^[64] به این فره، در تمدن ایلامی کیتن گفته می‌شد که طلسمی جادویی، فره ایزدی، قدرت محافظ و همچنین قدرت مجازات‌گر بود. پادشاهان ایلام قدرت خود را بر پایه محافظت جادویی کیتن استوار می‌کردند و خود را در برابر



داشت. برای نمونه، خوتلوتوش اینشوشیناک حاصل ازدواج شوتروک نخونته و دخترش بود.^[73]

۱۱ اشیای تاریخی به جامانده از ایلامیان

از تمدن عیلام اشیاء و آثار متعددی به جا مانده است که در زیر به تعدادی از آنها اشاره شده است:

- گلدان با موجود دو شاخ
- تندیس نقره‌ای گاو نشسته
- کلاه خود پرنده و سه پیکر
- تابلو مراسم نیایش راهبه‌های آفتاب
- تندیس ناپیرآسو (تندیس مفرغی متعلق به ۱۲۵۰ سال پیش از میلاد و در موزه لوور نگهداری می‌شود)
- تندیس فاخته لاجوردی
- سنگ‌نگاره بز با دم ماهی
- نقش برجسته عیلامی در نقش رستم
- سنگ‌نگاره زن ایلامی و ندیمه
- سنگ‌نگاره یادبود اونتاش ناپیریشا
- جام نقره‌ای زن ایلامی (مربوط به هزاره سوم پیش از میلاد که در مرودشت کشف شده و در موزه ایران باستان نگهداری میشود)
- تندیس فلزی ایلامی، متعلق به ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد که در موزه متروپولیتن نیویورک نگهداری می‌شود.
- تندیس خدای زرین دست

۱۲ پانویس

[1] ELAM.

[2] 2700 BC: a first dynasty creates the Elamite kingdom (non Semitic) in western Persia with capital in Susa
scaruffi.com

[3] CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1
iranicaonline.org

[4] CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1
iranicaonline.org

[5] CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1
iranicaonline.org

[6] CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1
iranicaonline.org

[7] ELAM.

[8] Kent, Roland. *Old Persian: Grammar, Texts & Lexicon* (American Oriental Series, 33). American Oriental Society, 1953. page 53. ISBN 0-۹۴۰۴۹۰-۳۳-۱.

تندیس مسین خدای زرین دست، احتمالاً اینشوشیناک، خدای شهر شوش، با آرایش موی شاخدار و دامان چین‌چین که در اصل با روکشی از زر پوشیده شده بوده. اوایل هزاره دوم پیش از میلاد. کشف شده در شوش. محل نگهداری موزه لوور.

[9] ادوین ام. یا ما اوچی. ایران و ادیان باستانی. ترجمه منوچهر پزشک. تهران: انتشارات ققنوس، 1390، ص 324.

- [10] کتاب مقدس (شامل عهد عتیق و عهد جدید). انتشارات ایلام، 2005، چاپ چهارم.
- [11] CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1
iranicaonline.org
- [12] CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1
iranicaonline.org
- [13] CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1
iranicaonline.org
- [14] CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1
iranicaonline.org
- [15] Vallat, *The history of Elam.*
- [16] Vallat, *The history of Elam.*
- [17] Vallat, *The history of Elam.*
- [18] Vallat, *The history of Elam.*
- [19] Vallat, *The history of Elam.*
- [20] Vallat, *The history of Elam.*
- [21] Vallat, *The history of Elam.*
- [22] Vallat, *The history of Elam.*
- [23] Vallat, *The history of Elam.*
- [24] Vallat, *The history of Elam.*
- [25] Vallat, *The history of Elam.*
- [26] Vallat, *The history of Elam.*
- [27] Vallat, *The history of Elam.*
- [28] Vallat, *The history of Elam.*
- [29] Vallat, *The history of Elam.*
- [30] Vallat, *The history of Elam.*
- [31] زارعی، محمد ابراهیم. آشنای با معماری جهان. فن آوران، 1391.
- [32] CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1
iranicaonline.org
- [33] CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1
iranicaonline.org
- [34] CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART 1
iranicaonline.org
- [35] Vallat, *The history of Elam.*
- [36] Vallat, *The history of Elam.*
- [37] Vallat, *The history of Elam.*
- [38] Vallat, *The history of Elam.*
- [39] Vallat, *The history of Elam.*
- [40] Vallat, *The history of Elam.*
- [41] Vallat, *The history of Elam.*
- [42] Vallat, *The history of Elam.*
- [43] Vallat, *The history of Elam.*
- [44] هینتس، دنیای گمشده عیلام، ۱۹.
- [45] هینتس، دنیای گمشده عیلام، ۲۱.
- [46] علیف، پادشاهی ماد، ۱۰۹.
- [47] هینتس، یافته‌های تازه از ایران باستان، ۳۶.
- [48] در تاریکی هزاره‌ها، ایرج اسکندری، ناشر: نگاه.
- [49] تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ا. آ. گراتوسکی - م. آ. داندامایو، مترجم، کیخسرو کشاورزی، ناشر: مروارید ۱۳۸۵ - (ص: ۴۸-۲۴)
- [50] هینتس، دنیای گمشده عیلام، ۳۱.
- [51] هینتس، دنیای گمشده عیلام، ۳۹-۴۰.
- [52] هینتس، دنیای گمشده عیلام، ۳۷ و ۵۷.
- [53] هینتس، دنیای گمشده عیلام، ۳۳-۴۰.
- [54] هینتس، دنیای گمشده عیلام، ۵۰.
- [55] دیاکونوف. تاریخ ایران دوره ماد، تاریخ کمبریج. ویراستار ایلیا گرشویچ. ترجمه بهرام شالگونوی. تهران: انتشارات جامی، 1387، صص 57-58.
- [56] هینتس، دنیای گمشده عیلام، ۴۸-۴۹.
- [57] هینتس، دنیای گمشده عیلام، ۴۳-۴۴.
- [58] کامرون، ایران در سپیده‌دم تاریخ، ۹۳-۹۵.
- [59] هینتس، دنیای گمشده عیلام، ۴۶.
- [60] پیرنیا، ایران باستان، ۱۱۸.
- [61] «ایلام: مهد اولیه تمدن ایرانی» (فارسی). مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی. بازبینی شده در ۲۴ بهمن ۱۳۸۶.
- [62] «تقدیم به جویندگان راه حق» (فارسی). وب‌گاه محمد برای مسیح. بازبینی شده در ۲۴ بهمن ۱۳۸۶.
- [63] ایران زمین؛ زیگورات چغازنبیل (ایسکانیوز، ۲۷ آبان ۱۳۸۶)
- [64] هینتس، شهریاری ایلام، ۱۸.
- [65] میرسعیدی، تاریخ ایران باستان، ۲۰۹.
- [66] هینتس، شهریاری ایلام، ۶۰.
- [67] هینتس، شهریاری ایلام، ۱۲۲.
- [68] هینتس، شهریاری ایلام، ۱۰۵.
- [69] هینتس، شهریاری ایلام، ۱۰۵.
- [70] میرسعیدی، تاریخ ایران باستان، ۱۹۳.
- [71] دیاکونوف، عیلام، ۱۹.
- [72] دیاکونوف، عیلام، ۳۰.
- [73] Vallat, *The history of Elam.*

۱۳ جستارهای وابسته

- فهرست تمدن‌ها و جاهای باستانی ایران پیش از تمدن ایلام
- گاه‌شمار تاریخ ایران از غارنشینی تا ظهور هخامنشیان

- اکبری، حسن. «عیلام و عیلامیها». باستان پژوهی، ۱۳۸۲.
- شیرین بیانی. «عیلام: یکی از سرچشمه‌های تمدن ایرانی». یغما، ۱۳۴۹.

۱۴ منابع

- پیرنیا، حسن. ایران باستان. ج. نخست. چاپ چهارم. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۹.
- کامرون، جرج. ایران در سپیده دم تاریخ. ترجمه حسن انوشه. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷. شابک -۹۷۸-۹۶۴-۴۴۵-۳۶۹-۴.
- علیف، اقرار. پادشاهی ماد. ترجمه کامبیز میریها. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۸. شابک ۹۶۴-۹۷۸-۳۱۱-۷۹۹-۳.
- تاریخ اجتماعی ایران (جلد ۱)، مرتضی راوندی (ص ۱۴۲-۱۳۳)
- دیاکونوف، ایگور. تاریخ ماد. ترجمه کریم کشاورز. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸. شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۵-۱۰۶-۵.
- تاریخ ایران از عهد باستان تا قرن ۱۸، پیگولوسکایا، ترجمه کریم کشاورز، تهران، ۱۳۵۳.
- دیاکونوف، ایگور. «عیلام». در تاریخ ایران کمبریج. ج. دوم، قسمت اول. ترجمه تیمور قادری. تهران: مهتاب، ۱۳۸۷. شابک -۹۷۸-۹۶۴-۲-۷۸۸۶-۹۶۴-۲-۷۸۸۶.
- مجیدزاده، یوسف. تاریخ و تمدن ایلام. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۷. شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۱-۰۶-۰۳-۷.
- میرسعیدی، نادر. «تاریخ و تمدن ایلام باستان». در تاریخ ایران باستان. تهران: سمت، ۱۳۹۰. شابک -۹۷۸-۹۶۴-۵۳۰-۴۸۸-۹.
- هینتس، والتر. دنیای گمشده عیلام. ترجمه فیروز فیروزنیا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸. شابک -۹۷۸-۶۰۰-۱۲۱-۰۱۸-۱.
- هینتس، والتر. شهریار ایلام. ترجمه پرویز رجبی. تهران: نشر ماهی، ۱۳۸۹. شابک ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۷۱-۵۲-۰.
- هینتس، والتر. یافته‌های تازه از ایران باستان. ترجمه پرویز رجبی. چاپ سوم. تهران: ققنوس، ۱۳۸۷. شابک -۹۷۸-۹۶۴-۳۱۱-۶۳۸-۵.
- Delaunay, J. A. "AŠŠURBANIPAL". *Encyclopædia Iranica*. December 15, 1987. Retrieved 18 June 2014.
- "ELAM". In *Encyclopædia Iranica*. 1998. Retrieved 31 January 2014.
- Vallat, François. "ELAM i. The history of Elam". In *Encyclopædia Iranica*. 1998. Retrieved 31 January 2014.

۱۵ پیوند به بیرون

- نگاهی به تاریخ عیلام به همراه عکس (به زبان فارسی)
- تاریخ مختصر ایلام به همراه عکس (به زبان انگلیسی)
- هایدماری کخ. «خداشناسی و پرستش در عیلام و ایران هخامنشی». باستان پژوهی، ۱۳۸۲.

۱۶ منابع متن و تصویر، مشارکت‌کنندگان و مجوزها

۱.۱۶ متن

ایلام (تمدن)منبع: [https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%DB%8C%D9%84%D8%A7%D9%85_\(%D8%AA%D9%85%D8%AF%D9%86\)](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%DB%8C%D9%84%D8%A7%D9%85_(%D8%AA%D9%85%D8%AF%D9%86)) مشارکت‌کنندگان: Farshad, مانی, Ladsgroup, Mehran, Khazaei, Ariobarzan, Arsh, Omid.koli, Sicasp, VolkovBot, Simeerg, ۰۰۰۰, Jack72, Arash.pt, Dinamik-bot, نوژن, robot, Amirobot, Iroony, Luckas-bot, Darafsh, Saeidpourbabak, Xqbot, GhalyBot, Alborz Fallah ZxxZxxZ, EmausBot, ZéroBot, Amolbot, Ahura21, Mohamadhosein.a, JackieBot, Alborzagros, مانفی, Udufruduhu, Calak, Roozita, Maahmaah, مکلارن, Rezabot, Merkhas, Ripchip Bot, MerllwBot, Iran-art-poem, Bkouhi, میثاق, ChuispastonBot, WikitanvirBot DbBot, MahdiBot, JYBot, Dextbot, Samak, Morholt, Museum~fawiki, Yamaha5, Oushbam, Holli-irani, فلورانس, Shahab.javi, Espiral Sarafarзад, Zmahnaz, صفزاده, ب. حاجی دولسکانی, Saran133, Oyakmohsen, Ahmad majed, Fatemibot, Aminsoltani7, Gnat, Bitafarhadi KasparBot, مازیار کیوان, Solimommale, Piroz12, R tehrani, Mahan akbari و ناشناس: 28

۲.۱۶ تصاویر

- **پرونده: Bronze_flag_Shadad_Kerman_Iran.JPG**منبع: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/9/94/Bronze_flag%2C_History_of_Art_in_Iran_from_website:_www.chap.sch.ir مشارکت‌کنندگان: Public domain مجوز: Shadad_Kerman%2C_Iran.JPG هنرمند اصلی: نامعلوم <wikidata:Q4233718>
- **پرونده: Commons-logo.svg**منبع: <https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/4/4a/Commons-logo.svg> مجوز: Public domain مشارکت‌کنندگان: This version created by Pumbaa, using a proper partial circle and SVG geometry features. (Former versions used to be SVG version was created by User:Grunt and cleaned up by 3247, based on the earlier PNG version, created: هنرمند اصلی: slightly warped.) by Reidab
- **پرونده: Dynastic_list_Awan_Siwashi_Louvre_Sb17729.jpg**منبع: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/5/58/Dynastic_list_Awan_Siwashi_Louvre_Sb17729.jpg مشارکت‌کنندگان: Marie-Lan Nguyen (User:jastrow), 2009-03-15 مجوز: CC BY 2.5
- **پرونده: Elam-map-fa.svg**منبع: <https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/8/88/Elam-map-fa.svg> مجوز: CC BY-SA 3.0 مشارکت‌کنندگان: Elam-map-PL.svg: Wkotwica; هنرمند اصلی: File:Near East topographic map-blank.svg
- **پرونده: Flag_of_Iran.svg**منبع: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/c/ca/Flag_of_Iran.svg مجوز: Public domain مشارکت‌کنندگان: URL http://www.isiri.org/portal/files/std/1.htm and an English translation / interpretation at URL http://flagspot.net/flags/ir'.html اصلی: Various
- **پرونده: God_golden_hand_Louvre_Sb2823.jpg**منبع: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/c/c9/God_golden_hand_Louvre_Sb2823.jpg مشارکت‌کنندگان: Marie-Lan Nguyen (User:jastrow), 2009-03-15 مجوز: CC BY 2.5
- **پرونده: Lancer_Susa_Louvre_Sb21965.jpg**منبع: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/d/db/Lancer_Susa_Louvre_Sb21965.jpg مشارکت‌کنندگان: Marie-Lan Nguyen; اثر شخصی هنرمند اصلی: Public domain مجوز: Public domain
- **پرونده: Relief_spinner_Louvre_Sb2834.jpg**منبع: https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/d/d5/Relief_spinner_Louvre_Sb2834.jpg مشارکت‌کنندگان: Marie-Lan Nguyen (2006) Public domain مجوز: Public domain <wikidata:Q4233718>

۳.۱۶ محتوای مجوز

- Creative Commons Attribution-Share Alike 3.0